مثال وجوب نفقه حائض

یکی از مواردی که از عدم الموانع تعبیری به شرط شده، در نفقه زوجه بود؛ در جواهر بود و به گمانم صاحب جواهر اشاره‌وار در شده بودند ای دو صفحه راجع به آن بحث کرده بودند؛ یادم نیست. الآن موارد حسابی پیش می‌آید که مثال ً عقد بر زوجه‌ای محقق شده، ولی تا تمکین فاصله‌ای می‌افتد. خب در این فاصله، مرد باید نفقه او را بدهد یا نه؟ تمکین نیست، چون یک شرائط عرفی هست که اجازه نمی‌دهند؛ برخی رسومات دارند که اصال ً اجازه نمی‌دهند این دامادِ حتی در خانه آن‌ها بخوابد و با هم باشند. خب در اینجا مفتی باید جواب بدهد. در این فاصله، خالصه نفقه این زوجه‌ای که تمکین نکرده، بر این زوج هست یا نیست؟ یا حتی تمکین با عذر؛ انواع عذر هست که حیض، ساده‌ترین آن‌ها است. انواع عذرهایی که هست - مریضی و انواع آن‌ها هست - برای اینکه تمکین نکرده است؛ این‌ها در جواهر هست. باید بدهد یا نه؟ فرمودند دائر مدار این است که بگوییم عقد شرعی نکاح، وجوب نفقه را بر زوج آورد؛ چه چیزی مانع آن است که برود؟ نشوز. اگر عنوان نشوز آمد، وجوب نفقه می‌رود و اگر نیامد که کماکان هست. عقد، وجوب را آورده است. این نشوز کجا است؟ حائضی که تمکین نمی‌کند ناشزه است؟ کسی که به‌خاطر رسومات عرفیه خیلی محکم، تمکین نمی‌کند، ناشره است؟! ناشره نیست. آن وقت اگر شک کنید که نشوز هست یا نه، می‌گویید اصل، عدم مانع است و نشوز نیامده است و وقتی نیامده، به صرف عقد باید نفقه را بدهد. اما اگر بگویید نشوز، مانع نیست و تمکین، شرط وجوب نفقه است؛ درست است که با عقد، وجوب به‌صورت مراعی می‌آید، اما شرط دارد و شرطش، تمکین است؛ او که تمکین نکرده است.

بازبینی #2
ایجاد شده 26 اوت 2025 15:41:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:09:02 توسط ... .